

منجی‌گرایی در ادیان (زرتشت، یهود، مسیحیت)*

مریم محمدی ارانی**

چکیده

اصولاً اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار منجی (فتوریسیم) عقیده‌ای است که در کیشهای آسمانی؛ یهود، زرتشت، مسیحیت و مدعیان نبوت عموماً و دین مقدس اسلام خصوصاً، به مثابه یک اصل مسلم، مورد قبول واقع شده است. شور و التهاب انتظار موعود آخرالزمان، در تاریخ پرفراز و نشیب این ادیان موج می‌زند.

یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان در سراسر تاریخ محنت‌بار خود هرگونه خواری و شکنجه را به این امید بر خود هموار کرده‌اند که روزی «مسیحا» و یا «سوشیانت» خواهد آمد. در این مقاله سعی بر این است تا ضمن بررسی سیر اندیشه و اعتقاد به ظهور منجی در هر یک از ادیان فوق، به مشترکات آن اشاره نموده تا گامی هرچند کوچک در تقریب ادیان برداریم.

واژه‌های کلیدی: انتظار، زرتشت، یهود، مسیح، سوشیانت، منجی‌گرایی، مهدویت.

تاریخ تأیید: ۸۷/۰۳/۰۳

* تاریخ دریافت: ۸۵/۰۶/۰۱

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه قم.

پیشینه بحث منجی گرایی

در باب پیشینه تاریخی مهدویت بیان شده که علی‌رغم تاریخ بسیار طولانی آیین مزدیسنا، اگر تاریخ تولد زرتشت را قرن هفتم پیش از میلاد بدانیم، باید گفت که دین یهود پیش‌تر موضوع موعود آخرالزمان را وعده داده و اخبار زرتشت پیرامون این مطلب تازه نیست. اما در باب تاریخ و چگونگی تولد زرتشت اختلافات بسیاری وجود دارد و برخی حتی دوران حیات وی را تا یازده هزار سال قبل از میلاد ذکر کرده‌اند. به این لحاظ، آیین مزدیسنا در طرح مسئله موعود آخرالزمان می‌تواند بر دین یهود و البته اسلام پیشی گیرد. به هر صورت می‌توان زرتشت را، حداقل در ایران، پیشگام اندیشه موعود آخرالزمان دانست و این را از موهبات آیین وی قلمداد نمود. در برابر، آیین اسلام که از پیشینه کم‌تری برخوردار است، در این زمینه وارث سایر ادیان مطرح‌کننده بحث مهدویت قرار می‌گیرد. البته اسلام در موضع خودش، هم وام‌گیرنده این تفکر، هم مصلح و هم تکامل‌بخش آن بوده؛ اما این واقعیت انکارناپذیر است که اندیشه منجی آخرالزمان، زمانی توسط اسلام مطرح گردید که حداقل سه آیین عمده مزدیسنا، یهود و مسیحیت به تفصیل در مورد آن آگاهی داده بودند. از این رو، اسلام به نوعی در این مورد تصدیق‌کننده محسوب می‌شود نه مبدع.

در یک جمع‌بندی باید عنوان کنیم که آیین زرتشت، اندیشه موعود آخرالزمان را در محیطی عرضه نمود که هیچ‌گونه ذهنیت قبلی در این باره وجود نداشت. اما دین اسلام در فضایی این نظریه را مطرح کرد که به واسطه وجود پیروان سایر ادیان، تا حدودی دورنمای فهم و پذیرش آن موجود بود و چه بسا همین امر اسباب حسن توجه غیرمسلمانان به این آیین را فراهم آورد. چرا که اخبار متواتر اسلامی در ادوار بعد، نه تنها منجیان آخرالزمان را تأیید و تصدیق کرد، بلکه اصولاً بر لزوم روشمند کردن این نظریه انگشت تأکید نهاد.^۱

نجات‌بخشی در ادیان (زرتشت، یهود، مسیحیت)

همه ادیان جهان به گونه‌ای معتقدند که هرگاه بشر به لحاظ معنوی و اخلاقی پا در انحطاط و ورطه هلاک گذارد و از مبدأ هستی فاصله گیرد و جهان را تاریکی جهل، غفلت و ستم در بر گیرد، شخصیتی نجات‌دهنده ظهور خواهد کرد. در هر آیین به صورت رمز به حقایق اشاره شده که با معتقدات آیینهای دیگری توافق و هماهنگی دارد. در آیین مزدیسنا هم اعتقاد به موعود نهایی و منجی آخرالزمان از عقاید رایج و استوار است و در متون مقدس زرتشتی (اوستا و کتاب روایی پهلوی) افزون بر بشارت و اشارت به ظهور رهاننده عدالت‌گستر، از تولد، ظهور، یاران و... او سخن گفته شده است. نجات‌بخشی در آیین زرتشتی، به عنوان موعود مزدیسنا مطالعه

طرح

می‌شود. بیشتر زرتشتیان بر این عقیده‌اند که مطابق متون مقدس اوستا، فرد یا افرادی در آخرالزمان ظهور می‌کند و آیین گرفتار در رنج و محنت فراوان مزدیسنا را دوباره احیا خواهد کرد.^۲ نجات‌دهنده پایانی، بر مبنای معتقدات یهودیان، مسیح (ماشیح) است که جهان درخشان و باشکوه آینده را می‌سازد و اعتقاد بیش‌تر دانشمندان یهود بر این است که ظهور مسیح و فعالیت او برای بهبود وضع جهان و تأمین خواستها و نیازهای مردمان بخشی از نقشه‌های خداوند در آغاز آفرینش بوده است و لزوم وجود نجات‌بخشی که کسی جز مسیح نیست، پیش از آفرینش کائنات به ذهن خداوند خطور کرده است.^۳ مسیح نیز به اعتقاد مسیحیان آخرین نجات‌بخش است و در مورد آفرینش او به چنین اندیشه‌ای برخورد می‌کنیم. آنجا که عیسی علیه السلام با یهودیان گفت‌وگو می‌کند، ظاهراً به وجود خویش در آغاز آفرینش اشاره می‌کند. «یهودیان بدو (عیسی) گفتند: هنوز پنجاه سال نداری و ابراهیم را دیده‌ای؟ عیسی بدیشان گفت: آمین آمین به شما می‌گویم که پیش از آنکه ابراهیم پیدا شود من هستم.»^۴

به اعتقاد همه یهودیان نجات‌دهنده انسانی است همانند دیگران.^۵ اما برخوردار از جلوه و جبروت خدایی است و جهان را با نور خودش، که جلوه‌ای از نور خداست، روشن خواهد کرد: «بار دیگر آفتاب در روز نور تو نخواهد بود و ماه با درخشندگی برای تو نخواهد تابید زیرا که یهود نور جاودانی تو و خدایت زیبایی تو خواهد بود.»^۶

برخی این ماشیح، یعنی نجات‌دهنده آخرین را همان داوود و یا از خانواده داوود و یا داوود دیگری می‌شمارند.^۷ به اعتقاد مسیحیان و به اشاره‌های آشکار مطالب عهد جدید، نجات‌بخش پایانی همان عیسی مسیح است که بار دیگر زنده خواهد شد و جهان را از نابسامانی خواهد رهانید: «... و به شما می‌گویم که مرا دیگر نخواهید دید، تا وقتی آید که گویند مبارک است که به نام خداوندی آید.»^۸ درباره قیامت مسیح پیش دیده گفت: «که نفس او در عالم اموات گذاشته نشود و جسد او فساد را نبیند، پس همان عیسی را خدا برخیزاند و همه ما شاهد بر آن هستیم»^۹ همچنین مسیح نیز چون یک بار قربانی شد تا گناهان را رفع نماید، بار دیگر بدون گناه برای کسانی که منتظر او می‌باشند، به جهت نجات ظاهر خواهد شد.^{۱۰}

در اینکه منجی موعود چه کسی است اختلاف نظر وجود دارد. برخی منجی آخرین را داوود می‌شمارند و گروهی او را از خانواده داوود و گروهی می‌گویند که خداوند در پایان جهان داوود دیگری را برای نجات مردم می‌فرستد. هرچند در این مورد اختلاف نظر وجود دارد، ولی نکته حایز اهمیت این است که هر دو گروه مسیحیت و یهود در انتظار نجات‌بخشی جهان توسط انسانی که از قدرت الهی بهره‌مند شده باشد به سر می‌برند. در «حقوق نبی» می‌گوید: «اگرچه تأخیر نماید، برایش منتظر باش؛ زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد نمود.»^{۱۱} در «اشعیا»

نبی» می‌گوید: «اما آنانی که منتظر خداوند می‌باشند قوت تازه خواهند یافت و مثل عقاب پرواز خواهند کرد، خواهند دوید و خسته نخواهند شد.»^{۱۲} در جای دیگر می‌گوید: «خوشا به حال کسانی که منتظر او باشند.»^{۱۳}

با یک جمع‌بندی به این نتیجه می‌رسیم که: ۱. نجات بشریت به یاری خداوند به دست انسانی الهی صورت می‌گیرد؛ ۲. همه انسانها باید در انتظار منجی بشریت باشند؛ ۳. منتظران نزد خداوند مقامی بالا دارند. بنابراین، مذهب انتظار که در تمام ادیان آسمانی مشاهده می‌شود، خاص مسلمانان نیست و یک فلسفه مثبت است و این به خوبی نشان‌دهنده هدفداری افعال الهی است. اما تفاوت ادیان گذشته با اسلام در این است که انتظار مسلمانان یک عامل روحی و فکری و حرکت آفرین است. از منظر اسلام، هدف از خلقت که شناخت و بندگی خدای متعال است در مقام عمل و تحقق در یک کلمه خلاصه می‌شود و آن معرفت امام عصر می‌باشد؛ و تنها کسی به هدف از آفرینش خود رسیده است که به این مرتبه نائل شده باشد.

منجی در آیین زرتشت

از نگاه زرتشتیان، موعود مزدیسنا «سوشیانس» نامیده می‌شود. اینان منتظر سه موعود هستند و میان هر یک از آنها هزار سال فاصله قرار داده شده است. آنان طول جهان را دوازده هزار سال تقسیم کرده‌اند، که مجموعاً به چهار مقطع سه هزار ساله تقسیم می‌گردد. در چهارمین دوره سه هزار ساله، دهمین هزاره عهد سلطنت روحانی پیغمبر ایران، «زردتشت»، شمرده می‌شود. در آغاز هر یک از هزاره یازدهمین و دوازدهمین، دو تن از پسران زردتشت ظهور خواهند نمود. در انجام دوازدهمین هزاره، پسر سوم یعنی «سوشیانس» پدیدار گشته، جهان را نو خواهد نمود، مردگان را برمی‌انگیزد و قیامت و جهان معنوی خواهد آراست.^{۱۴} و^{۱۵} (به سه پسر زردتشت که در آخرالزمان تولد یابند، «سوشیانس» نام داده‌اند، گرچه به صورت خاص این اسم برای تعیین آخرین موعود تخصیص یافته است).

سوشیانت

منجی (های) موعود اوستا، که سوشیانس نام دارد، اغلب به معنای «رهاننده» تعریف شده است.^{۱۶} این واژه در زبان پهلوی به صورت سوشیانت، و سیوسوش آمده و از ریشه «سود» به معنای بهره و منفعت گرفته شده است.

واژه فارسی سود نیز از همین ریشه است.^{۱۷} سوشیانت، صفت به معنای سودمند و سوددان است. این واژه در «گاتها» به دو صورت مفرد و جمع آمده است. زرتشت در «گاتها»^{۱۸} چندین بار

طالع

خود را در صیغه مفرد، سوشیانت یعنی رهاننده یا نجات‌دهنده نامیده است. از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

کی خواهیم دریافت (فهمید) ای مزدا و ای اشاکه شما نسبت به کسی که در پی تباہ کردن من است، توانا و زبردستید؛ آنچه پاداش نیک نهاد است، باید به خوبی از آن اطلاع یابیم؛ از این روی رهاننده (سوشیانت) را آرزوی آن است که از قسمت خویش باخبر باشد.^{۲۰}

این واژه در سه مورد نیز به صورت جمع آمده است، یکی از آنها اینکه: «ای اهورا مزدا! آن راه منش نیک که به من نمودی، همان راه آموزش رهاندگان (سوشیانتها) است.»^{۲۰}

از این قطعات به خوبی دریافت می‌شود که عقیده به موعود آخرالزمان و اینکه کسی خواهد آمد، و جهان را از چنگال اهریمن خواهد رهانید و آدمیان را از یک زندگی بی‌گزند بهره‌مند خواهد ساخت، نزد ایرانیان بسیار قدیم و شاید منسوب به خود مؤسس دین مزدیسناست.^{۲۱}

آنجا که در قسمتهای دیگر *اوستا* همانند *گاتها*، سوشیانت به صیغه جمع آمده، از آنان یاوران دین اراده شده است. به عبارت دیگر، پیشوایان کیش و جانشینان زرتشت و نیکان و پارسایانی که از آنان سودی آید و مردم را به راه راست راهنمایی کنند و مایه رستگاری باشند و دین مزدیسنا را بیاریند، سوشیانتها نامیده شده‌اند.^{۲۲}

در مواردی هم سوشیانت به صیغه جمع آمده و مقصود از آن سه موعود مزدیسنا یا سه پسران آینده زرتشت است که سرانجام هر یک ظهور خواهند کرد و بار دیگر آیین زرتشت را تازه می‌کنند و جهان فرسوده و ویران را آباد، تازه و خرم خواهد ساخت.^{۲۳}

در کتاب «زنده» که از کتب مقدس زرتشتیان است، پس از آنکه مقداری پیرامون شیوع فساد در آخرالزمان گفت‌وگو می‌نماید و گوشزد می‌کند که غالباً قوت و شکوه با اهریمنان خواهد بود، می‌گوید:

آن‌گاه از طرف اهورا مزدا به ایزدان یاری می‌رسد، پیروزی بزرگ از آن ایزدان می‌شود و اهریمنان را منقرض می‌سازند... بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، نیی آدم بر تخت نیک‌بختی خواهد نشست...^{۲۴}

«جاماسب» در کتاب معروف خود «*جاماسب‌نامه*» از زرتشت نقل می‌کند که «از فرزندان دختر پیغمبر که «خورشید جهان» و شاه زمان نام دارد، کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان که جانشین آخر آن پیغمبر باشد.»^{۲۵}

همچنین در جای دیگر این کتاب می‌خوانیم که: «مردی بیرون آید از زمین تازیان، از فرزندان هاشم مردی بزرگ‌رو، بزرگ‌تن و بزرگ‌ساق، و بر دین جد خویش باشد، با سپاه بسیار، روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین را پر داد کند.»^{۲۶}

وی در تعالیم خود می‌افزاید:

پیامبر عرب آخرین فرستاده است که از میان کوه‌های مکه ظاهر شود... از فرزندان پیامبر شخصی در مکه پدیدار خواهد شد که جانشین آن پیامبر است و پیرو دین جد خود می‌باشد... از عدل او گرگ با میش آب می‌خورد و همه جهان را به آیین «مهرآزمای» خواهند گروید.^{۲۷}

البته قسمتی از پیش‌گوییهای دیگر زردتشت درباره ظهور و علائم آن در «بهمن یشت» آمده است.^{۲۸} در آخرین بخش از کتاب «زرتدبهمن یسن» که شرح و تفسیر «اوستا» می‌باشد، از ظهور مصلح جهانی و منتهی شدن حکومت آن حضرت به رستاخیز سخن گفته است: «پس «سوشیانس» آفرینش را دوباره پاک بسازد و رستاخیز و تن پسین باشد.»^{۲۹} و می‌گوید منظور از سوشیانس در اینجا آخرین نجات‌بخش دین زرتشتی است.^{۳۰}

هنگامی که گشتاسب در مورد کیفیت ظهور سوشیانس و چگونگی اداره جهان می‌پرسد، جاماسب حکیم، شاگرد زرتشت توضیح می‌دهد که: «سوشیانس» دین را به جهان رواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه‌کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را هم فکر و هم گفتار و هم کردار گردانند.»^{۳۱}

از جمله مواردی که در «اوستا»، واژه سوشیانت مفرد آمده و از آن به ویژه واپسین موعود مزدیسنا اراده شده، از این قرار است: یسنا ۲۶ قطعه ۱۰؛ یسنا ۵۹ قطعه ۲۸؛ ویسپرد، کرده ۲، قطعه ۵؛ فروردین یشت، قطعه‌های ۱۲۹ و ۱۴۵؛ زامیادیشت، قطعه ۸۹؛ گشتاسب‌یشت، قطعه ۳۰؛ وندیداد، فرگرد ۱۹، قطعه ۵.

به هرحال تفسیر دقیق‌تر سوشیانس را باید از بخشهای دیگر اوستا به دست آورد. در «اوستای فعلی»، رهانندگان در سه نفر خلاصه شده‌اند: ۱. اوخشیت ارته، کسی که قانون مقدس را می‌پروراند؛ ۲. اوخشیت نمنگه، کسی که نماز را برپای می‌دارد؛ ۳. استوت ارته، کسی که همه از پرتو او به زندگی فناپذیر می‌رسند.^{۳۲} البته در کتب روایی پهلوی برای نخستین موعود و دومین و سومین نامهای دیگری ثبت کرده‌اند.^{۳۳}

به تصریح «اوستا»^{۳۴} زرتشت تجسم نیکی و خیر و کمال، بزرگ‌ترین سوشیانس است و واپسین نجات‌بخش نیست، بلکه به تصریح همین بخش، واپسین نجات‌بخشان، کسانی هستند که جهان را نو کنند و خلائق را پیرنشدنی و نامیرا، جاویدان و بالنده سازند. در آن هنگام مردگان دگربار برخیزند و بی‌مرگی به زندگان روی آورد؛ سوشیانت پدیدار شود و جهان را به خواست خویش نو کند.^{۳۵}

ابراهیم پورداود از آنچه در این باره گذشت، نتیجه می‌گیرد که واژه سوشیانس در کاربردهای جمع خود در «اوستای نو»، شامل زرتشت و حامیان و یاوران و مبلغان و نوسازان و

طالع

آراینندگان جهان پایانی است. بر اساس این مطلب به این نکته می‌رسد که: ویژگی عمده آنان عبارت است از خردمندی، نیکوکاری، سودرسانی به همه موجودات، غلبه بر خصومت دیوها و مردم، و پاک کردن جهان از دروغ، ستایش پروردگار و آراستن معنوی.^{۳۶}

از توضیحات کتابهای روایی پهلوی پیرامون منجیان سه‌گانه آیین مزدیسنا به دست می‌آید که نبرد خیر و شر، نیکی و بدی به نوعی تقدیر خود اهورا مزداست و در این میان سه موعود آخرالزمان، سه نقطه اوج و در عین حال سه نقطه عطف دین زرتشتی شمرده می‌شوند. آنها طبق خیر و نیکی رفتار می‌کنند و در عمل آن را آموزش می‌دهند. آنها هستند که نماز و تحیات به آستان اهورا مزدا را به جای می‌آوردند. آنان از دریاچه کیانسیه پا به عرصه زندگی نهاده و ضد اهریمن قیام می‌کنند، آفرینش او را در هم می‌شکنند و مردم را به راه راست می‌آورند و دین را گسترش می‌دهند؛ چنان که به آدمیان نیز راستی می‌بخشند.^{۳۷}

موعودباوری در آیین یهود

اشتقاق به مسیح موعود

تعالیم انبیا در برافروختن آتش شوق و قیام مسیح در دل‌های قوم عهد عتیق تأثیر بسزایی داشت: «خدا قوم خود را در حالت نکبت و ذلت باقی نخواهد گذاشت؛ بلکه خود او کسی را مسح کرده، برای نجات مردم خواهد فرستاد.» از کتابهای نبوت معلوم می‌شود که آرزوی آمدن مسیح بر گرد سه محور اساسی می‌چرخید که البته این محورهای سه‌گانه به گونه‌ای مشخص از یکدیگر جدا نشده‌اند.

مسیح پسر داوود

برخی از انبیا مانند حزقیال و ملاکی، اعلام داشتند که خدا به زودی یک مسیح را از نسل داود برای بازگرداندن شکوه بنی‌اسرائیل خواهد فرستاد. انتظار می‌رود که مسیح یادشده قوم را از دست حاکمان مشرک رهایی بخشد و قدرت شریعت خدا را برای گروه کوچکی که در زمان تنگی، وفادار و مطیع فرمان خدا باقی خواهد ماند، بسط و اعتلا ارزانی کند. در این سلطنت (یا ملکوت) جدید، عدالت، نیکی به مستمندان و پرستش درست و خالصانه خدا حکم‌فرما خواهد بود. خدا نیز از طریق مسیح خویش، بر قوم خود حکومت خواهد کرد. برخی از انبیا مژده دادند که این سلطنت تنها برای یهود نیست، بلکه همه ملت‌های جهان از آن برخوردار خواهند شد. یک نویسنده یهودی درباره آمدن داوود می‌گوید:

«یک عقیده همگانی وجودداشت که حالت رفاه و آسایشی که به دست داود پدید آمده، تا ابد پایدار خواهد ماند و ناتان نبی در پیشگویی خود مبنی بر جاودانگی تخت داوود این نظر را

تأیید کرد.^{۳۸} این باور بدان اندازه قطعی بود که گفته می‌شود خود داوود نیز آن را به پسرش سلیمان مژده داده است.^{۳۹}

بنده خدا

اشعیای نبی از «بنده خدا» که خواهد آمد، سخن گفته است: وی به دور از قدرت نظامی و اقتصادی و هر شکوه ظاهری و نفوذ کلمه خواهد آمد. همچنین او از روی ایمان و تسلیم به اراده خدا، مخالف هرگونه شدت عمل، دارای صبر و بردباری برای تحمل دردها و ستمها خواهد بود و تحمل بار گناهان قوم خود، همچون وسیله‌ای برای نجات عمل خواهد کرد.

پسر انسان

این شخصیت پیچیده در کتاب *دانیال* آمده است. این کتاب به شیوه ادبی مکاشفات نوشته شده و فهم شیوه مذکور بسیار دشوار است؛ زیرا اشکال و رموز پیچیده و ناآشنایی در آن وجود دارد. ادبیات مکاشفه به دوره‌ای از تاریخ یهود تعلق دارد که قوم زیر ستم بود و به همین دلیل، آمال و آرزوهای خود را در قالب اشارات و رموز بیان می‌کرد. نوشته‌های مکاشفه از «روز خدا» سخن می‌گوید و اینکه خدا برای اصلاح مفسد و محکوم کردن اشرار و رهایی بخشیدن به کسانی که بر ایمان خود استوار مانده‌اند در جهان وارد عمل می‌شود. به گفته ادبیات مکاشفه، به نشانه فرارسیدن روز خداوند پسر انسان از آسمان فرود خواهد آمد و ملکوت الهی را برپا خواهد ساخت.^{۴۰} در «سفر پیرایش» چنین آمده است:

خداوند بر ابراهیم ظاهر گشته و گفت: به ذریه تو این زمین را می‌بخشم، تمام این زمین را که می‌بینی به تو و ذریه تو تا به ابد خواهیم بخشید... به سوی آسمان بنگر و ستارگان را بشمار، هرگاه توانی آنها را شمرد... ذریت تو نیز چنین خواهد بود من یهوه هستم که تو را از کلدانیان بیرون آوردم تا این زمین را به ارثیت تو بخشم.^{۴۱}

و نام تو بعد از این «آبرام» خوانده نشود بلکه نام تو «آبراهیم» خواهد بود زیرا که تو را پدر امتهای بسیار گردانیدم تو را بسیار بارور نمایم و امتهای تو پدید آورم و پادشاهان از تو به وجود آیند و عهد خویش را در میان خود و تو، و ذریه بعد از تو استوار گردانم که نسل بعد نسل عهد جاودانی باشند... اما در خصوص اسماعیل تو را اجابت فرمودم، اینک او را برکت داده بارور گردانم، و او را بسیار کثیر گردانم، دوازده رئیس از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی به وجود آورم... از ابراهیم امتی بزرگ و زورآور پدید خواهد آمد و جمیع امتهای جهان از او برکت خواهند یافت.^{۴۲}

در کتاب «اشعیای نبی» می‌خوانیم:

... و نهالی از تنه یسی^{۴۳} بیرون آمده، شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت و روح خدا بر او قرار خواهد گرفت... مسکینان را به عدالت، داوری خواهد کرد، و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد کرد... در تمامی کوه مقدس من، ضرر و فسادی نخواهد بود، زیرا که جهان از

طهر

معرفت خداوند پر خواهد شد.^{۴۵} بلکه نسلی از یعقوب و وارثی برای کوههای خویش از یهود به ظهور خواهیم رسانید. و برگزیدگانم ورثه آن و بندگانم ساکن آن خواهند شد. و اما شما (خطاب به یهود) که خداوند را ترک کرده و کوه مقدس را فراموش نموده‌اید و مانده به جهت بخت مهیا ساخته و شراب خروج به جهت اتفاق ریخته‌اید، پس شما را به جهت شمشیر مقدر ساختم. و جمیع شما برای قتل خم خواهید شد... و اورشلیم را محل وجد خواهیم و از قوم خود شادی خواهیم کرد و آواز گریه و ناله بار دیگر در او شنیده نخواهد شد.^{۴۶}

در کتاب *دانیال نبی* می‌خوانیم:

در آن زمان سرور بزرگ میکائیلی که از جانب پسران قومت (خطاب به حضرت دانیال) قائم است خواهد ایستاد... و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده‌اند، بیدار خواهند شد... و آنان که بسیاری را به راه عدالت رهبری می‌نمایند مانند ستارگان خواهند بود تا ابدآباد. اما تو ای دانیال کلام را مخفی دار و کتاب را تا آن زمان مهر کن بسیاری به سرعت تردد خواهند نمود... خوشا به حال آنان که انتظار کشند.^{۴۷}

و در کتاب «*حقیوق نبی*» آمده است: «گرچه تأخیر نماید، برایش منتظر باش، زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد... بلکه جمیع امتهای را نزد خود جمع می‌کند و تمامی قومها را برای خویشتن فراهم می‌آورد.»^{۴۸ و ۴۹}

در زبور داود علیه السلام که تحت عنوان «مزامیر» در لابه‌لای عهد عتیق آمده، نویدهایی درباره ظهور منجی موعود داده شده است. و می‌توان گفت: در هر بخشی از زبور اشاره‌ای به ظهور آن حضرت و نویدی از پیروزی صالحان بر شریران و تشکیل حکومت واحد جهانی و... موجود است. جالب توجه اینکه مطالبی که قرآن کریم، پیرامون ظهور منجی از زبور نقل کرده، در زبور فعلی عیناً موجود است و از تحریف مصون مانده است. قرآن کریم چنین می‌فرماید:

ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر أن الأرض يرثها عبادي الصالحون^{۵۰}؛

علاوه بر ذکر (تورات) در «زبور» نیز نوشتیم، بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد.

طبق روایت متواتر اسلامی، از طریق شیعه و سنی^{۵۱}، این آیه مربوط به ظهور حضرت مهدی (عج) می‌باشد. قرآن کریم این مطلب را از زبور نقل می‌کند و عین همین عبارت در زبور موجود است. در متن «زبور» آمده است:

زیرا که شریران منقطع خواهند شد، و اما منتظران خداوند، وارث زمین خواهند شد، هان بعد از اندک زمانی شریر نخواهد بود، در مکانش تامل خواهی کرد و نخواهد بود و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد... زیرا

که بازوان شیر بر شکسته خواهد شد و اما صالحان را خداوند تأیید می‌کند.
خداوند روزهای کاملان را می‌داند و میراث آنها خواهد بود تا ابدالآباد.^{۵۲}

در جای دیگری می‌فرماید:

... قومها را به انصاف داوری خواهد کرد. آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد. دریا و پری آن غرش نمایند. صحرا و هرچه در آن است به وجد آید. آن گاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند نمود به حضور خداوند. زیرا که می‌آید، زیرا که برای داوری جهان می‌آید. ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد، قومها را به امانت خود.^{۵۳ و ۵۴}

منجی‌گرایی در آیین مسیحیت

نویدهای موجود در اناجیل معتبر بدین صورت آمده است:

همچنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می‌شود ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد... آن گاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد. و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه‌زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال می‌آید... آسمان و زمین زایل خواهد شد، اما سخن من هرگز زایل نخواهد شد، اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد، حتی ملائکه آسمان، جز پدر من و بس. لہذا شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می‌آید.^{۵۵}

اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خود آید، آن گاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست و جمیع امتها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا می‌کنند، به قسمتی که شبان میشها را از بزها جدا می‌کند.^{۵۶}

آن گاه پسر انسان را ببینند که با قوت و جلال عظیم بر آبرها می‌آید، در آن وقت فرشتگان خود را از جهات اربعه از انتهای زمین تا به اقصای فلک فراهم خواهد آورد... ولی از آن روز و ساعت، غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم، پس بر حذر و بیدار شده، دعا کنید، زیرا نمی‌دانید که آن وقت کی می‌شود.^{۵۷}

کمرهای خود را بسته، چراغهای خود را افروخته بدارید و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند، که چه وقت مراجعت کند، تا هر وقت آید و در را بکوبد بی‌درنگ برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد... پس شما نیز مستعد باشید، زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسر انسان می‌آید.^{۵۸}

در انجیل یوحنا (بندهای ۱۲-۱۷) نویدهای جالب و جامعی درباره منجی و موعود آخرالزمان دارد.^{۵۹} توضیح اینکه کلمه «پسر انسان» مطابق نوشته مسترهاکس آمریکایی در کتاب خود به نام قاموس کتاب مقدس، هشتاد بار در انجیل و ملحقات آن (عهد جدید) تکرار شده که فقط

طرح

سی مورد آن بر حضرت عیسیٰ علیه السلام قابل تطبیق می‌باشد^{۶۰} و پنجاه مورد دیگر از نجات‌دهنده‌ای سخن می‌گوید که در آخرالزمان ظهور خواهد کرد، عیسی نیز با او خواهد آمد و او را جلال خواهد کرد و از ساعت و روز ظهور او جز خدا کسی اطلاع ندارد.

از کتب مقدس این چنین برداشت می‌شود که: شخصی برای اصلاح جامعه بشری و تشکیل حکومت جهانی به عنوان نجات‌بخش و منجی خواهد آمد که همه انتظار او را دارند، چنان که از تمامی عبارات کتب مقدس استفاده می‌گردد. دیگر اینکه همه ملت‌های جهان و تمامی مردم دنیا از او پیروی می‌کنند و زیر نفوذ او خواهند رفت و او بر جهان حکومت خواهد کرد و رئیس جهان خواهد بود و سلطنت او در ربع مسکون مستقر خواهد شد.^{۶۱}

او از خود تکلم نمی‌کند و روی هوای نفس خود حرف نمی‌زند و بلکه طبق آنچه از خدای تعالی و پیامبران شنیده است سخن خواهد گفت.^{۶۲} او وقتی بیاید مردم را به جمیع راستیها هدایت خواهد نمود.^{۶۳} او مردم را به عدالت ملزم می‌کند و خودش به عدالت داور می‌گردد.^{۶۴} قبل از آمدن او دنیا پر از ظلم و جور می‌شود و سراسر جهان را ظالمین و ستمگران احاطه می‌کنند.^{۶۵}

وقتی او بیاید همه اضداد در کنار یکدیگر با صلح و صفا زندگی می‌کنند و حتی درندگان و حیوانات مودی کوچک‌ترین آسیبی به حیوانات اهلی نمی‌زنند.^{۶۶} او قدرتمندترین ابرقدرتها را سرکوب می‌کند و به‌طور کلی اشرار را از بین می‌برد و اثری از آنها باقی نمی‌گذارد.^{۶۷} بعد از ظهور او صالحان و صدیقان و حلیمان وارث زمین می‌شوند و جهان و آنچه در اوست به آنان تعلق خواهد گرفت.^{۶۸}

همه باید منتظر او باشند، زیرا وقت ظهورش مشخص نیست و حتی ملائکه آسمان هم نمی‌دانند و بالاخره جز خدای تعالی کسی از آمدنش اطلاع ندارد. بنابراین باید همه بیدار باشند و آمدنش را انتظار داشته باشند.^{۶۹} همه چیز در اختیار او قرار خواهد گرفت و او بر ابرهای آسمان با قوت و جلال خواهد آمد.^{۷۰} او جهان را از معرفت خدای تعالی پر خواهد کرد و مردم دنیا همه خداشناس خواهند شد.^{۷۱} و خلاصه وظیفه مردم در زمان غیبت او این است که برای ظهورش دعا کنند و همیشه منتظر او باشند، زیر او ناگهانی خواهد آمد.^{۷۲}

از آنجا که یاوران این موعود جهانی در حکومت ایشان را همراهی می‌کنند، بررسی کوتاهی از ویژگیهای این یاران خالی از لطف نیست.

ویژگی یاران سوشیانت

در متون مزدیسنايي از دو نوع یار برای موعود (های) آخرالزمان نام برده شده است: یارانی که در عصر ظهور زندگی می‌کنند و یاورانی که در زمانهای سابق رحلت کرده‌اند، و هنگام ظهور

منجی زنده شده، او را یاری خواهند کرد. در متون پهلوی، دسته دوم را «جاودانیها» خوانده و از شماری افراد، یلان و پهلوانان تاریخی در جایگاه یاوران سوشیانس یاد کرده‌اند. شمار این افراد را پانزده مرد و پانزده زن دانسته و با احتساب زرتشت، از چهارده مرد یاد کرده‌اند. در حالی که یک مرد و پانزده زن به نام خوانده نشده‌اند.^{۷۳} این جاودانیها در هزاره سوشیانس پدید آیند و رستاخیز برانگیزانند و جهان جاودانی را بیارایند. به تصریح *اوستای نو* و متون پهلوی، ابدان گنهکاران و مجرمان همچون منافقان دوباره زنده نخواهد شد؛ اما پرهیزگاران به زمین باز آیند، نه به آن چهره که در گذشته‌اند و نه از آن آمیزه که پیش ساخته شدند؛ بلکه موجودات مادی از گل روشن و بدون تاریکی، آب بدون زهر، آتش بدون دود، و باد خوشبوی ساخته شده باشند.^{۷۴}

خصوصیات یاران منجی موعود چنین است:

«نیک اندیش، نیک گفتار، نیک کردار، هرگز سخن دروغ بر زبان نیاورند؛ قول خود را نمی‌شکنند و عفریت خشم از آنان می‌گریزد.»^{۷۵} افزون بر این فرشتگان مقرب الهی، هفت امشاسپند نیز در جایگاه یاوران سوشیانس مطرح شده‌اند.^{۷۶}

خصوصیات یاوران منجی در آیین یهود و مسیحیت

در عهدین برای یاران حضرت ویژگی خاصی بیان شده است:

در *اشعیای نبی* می‌گوید:

علمی به جهت امتهای بعد برپا خواهد کرد و از اقصای زمین برای ایشان صغیر خواهد زد و ایشان تعجیل نموده، به زودی خواهند آمد و در میان ایشان احدی خسته و لغزش خورنده نخواهد بود و احدی نه پلکی خواهد زد و نه خواهد خوابید و کمر بند احدی از ایشان باز نشده، دوال نعلین احدی گسیخته نخواهد شد که تیرهای ایشان تیز و کمانهای ایشان زده شده است، ایشان مثل شیر ماده و مانند شیران ژبان غرش خواهند کرد.^{۷۷}

در *دانیال نبی* می‌گوید: «در ایام این پادشاهان خدای آسمانها سلطنتی را که تا به ابد زایل نشود برپا خواهد نمود.»^{۷۸} در *مزمور* می‌گوید: «چشمان خداوند به سوی صالحان است. چون صالحان فریاد برآورند، خداوند آنها را شنیده و ایشان را از تنگیهای ایشان رهایی بخشد.»^{۷۹} در *اشعیای نبی* آمده است: «ای رسولان تیزرو بروید نزد امت بلند قامت و براق، نزد قومی که از ابتدایش تاکنون مهیب بوده‌اند، یعنی امت زورآورنده و پایمال‌کننده.»^{۸۰} در جای دیگر می‌گوید: «دروازه را بگشایید تا امت عادل که امانت را نگه می‌دارند داخل شوند، طریق راستان استقامت است.»^{۸۱} همچنین در بخشی دیگر بیان شده است: «لینک بعضی از جای دور خواهند آمد و

طالع

بعضی از شمال و از مغرب؛ ای آسمانها ترنم کنید و ای زمین وجد نما و ای کوهها آواز شادمانی دهید؛ زیرا خداوند قوم خود را تسلی می‌دهد.^{۸۲}

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف از مقایسه سیر اندیشه و اعتقاد نجات‌بخشی و تطور آن در هر یک از ادیان و همچنین برابری ادیان در اعتقاد به ظهور منجی، بیان این نکته نیست که دینی از دین دیگر در این مسئله خاص متأثر گردیده و یا بر آن تأثیر گذاشته است. آنچه در این پژوهش مورد نظر می‌باشد این است که موارد همانند یا مشترک ادیان کنار هم قرار گیرند و این نتیجه کلی به دست آید که اندیشه نجات‌بخشی و اشاره به موعودی که در پایان جهان خواهد آمد و نظامی همسان با دستورهای خداوند خواهد ساخت، در همه ادیان وجود دارد. اما اینکه این موعود کیست، چه موقع و کجا ظهور خواهد کرد، از جمله مسائل مورد اختلاف می‌باشد. آنچه مشترک است این است که نجات‌دهنده آخرالزمان از خاندان نبوت و دارای همه صفات پسندیده است. در همه ادیان نوعی اعجاز در مسائل مربوط به موعود دیده می‌شود. وصف جهان انتظار در ادیان گوناگون الگوی واحدی دارد؛ جامعه‌ای است که در زمینه‌های فردی، اجتماعی، سیاسی اقتصادی، علمی و فرهنگی به ابتذال کشیده شده، فساد و تباهی به اوج خود رسیده؛ آن‌گاه است که فرج نزدیک است.

همه ادیان با عبارات و شیوه‌های واحدی از ویژگی‌های عصر انتظار یاد کرده‌اند. سبب این همسانی این است که در همه دورانها و برای همه مردم، ستم، کینه و جنایت ناپسند بوده است. از این رو، انتظار جامعه‌ای بدون ظلم و تصور جامعه آرمانی از گذشته‌های دور تاکنون اندیشه بسیاری از دانشمندان و محققان بوده است. به گونه‌ای که هر یک از آنان طرحی جداگانه برای ایجاد جامعه آرمانی تدوین نموده است. طرح این گونه مسائل از سوی دانشمندان گوناگون و ریشه‌یابی آن در ادیان مختلف مانند یهود، مسیحیت و زرتشت و حتی مسلک‌هایی همچون برهما و بودا نشانه این است که زندگی در یک جامعه آرمانی خالی از ظلم و ستم ریشه در نهاد بشریت دارد. اما آنچه تمام این طرحها را غیرعملی نموده، این است که آنها واقع بینانه و همراه با ارائه روشن نیستند، بلکه فقط یک جامعه آرمانی را به تصویر کشیده‌اند نه راه و روش رسیدن به آن را. همچنین هدف‌هایی برای این طرحها تعیین نشده است تا بدان وسیله اراده و شور و خواست مردم را برانگیزد و آنان را به تغییر اوضاع و احوال موجود مایل گردانند. تنها طرحی که دارای این خصایص می‌باشد، اسلام است.

تحقق این جامعه آرمانی در متون دینی ما پیشگویی شده و هدف نهایی جامعه آرمانی این است که انسانها به کمال حقیقی برسند؛ کمالی که جز بر اثر خداشناسی، خداپرستی، اطاعت کامل و دقیق از اوامر و نواهی الهی و کسب رضای خداوند و تقرب به درگاه او حاصل شدنی نیست. جامعه‌ای که خداوند وعده فرموده است، جامعه‌ای است که افرادش عقاید، اخلاق و اعمال موافق با تعالیم و احکام اسلامی دارند. البته همان گونه که در متن مقاله ذکر شد، اندیشه مهدویت و وجود موعود برای اصلاح جهان تنها در آیین اسلام طرح نشده، بلکه بشارتی است که خدای متعال به همه انبیا داده است و تمامی ادیان توحیدی منادی این اندیشه بوده‌اند و آینده جهان را از آن صالحان خوانده‌اند و حاکمیت عدالت را بر سراسر گیتی حتمی قلمداد کرده‌اند. این اندیشه آن قدر در ادیان توحیدی پررونق و آشکار بوده است که به ادیان غیرتوحیدی نیز رنگ داده و ادیانی که به ظاهر منشأ الهی نداشته‌اند نیز اعتراف به وجود مصلح جهانی کرده‌اند.

گفتنی است که همه بشارتها، وعده‌ها و اشاره‌ها که در همه آیینها و دیانتها آمده است، نظر به قیام الهی آخرالزمان و حرکت بشری - الهی مصلحی دارد که در پایان ادوار نبوت و در امتداد جریان دین اسلام، از داخل اسلام ظهور خواهد کرد. این است که هرگاه موعود گفته می‌شود، منظور موعود و منجی نهایی و منتظر آخرین است. به بیان دیگر منظور از نجات‌بخشی در ادیان، همان منجی‌گرایی در آیینهای مختلف است که منطبق با نظریه مهدویت می‌باشد. و چه باشکوه است تصور ایامی که تنها حاکم عالم، دادگستری چون قائم آل محمد باشد و چه زیباست زندگی در ایامی که پرچمی جز پرچم توحید در اهتزاز نباشد و ندایی جز ندای حق به گوش جهانیان نرسد؛ دورانی سرشار از عطوفت و مهربانی که عدالت، آزادی و کرامت انسانی سرتاسر گیتی را پر کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

طالع

۱. علیرضا ابراهیم، مهدویت در اسلام و زرتشت، تهران، انتشارات باز، چاپ اول، ۱۳۸۱، صص ۲۱-۲۲.
۲. ابراهیم پورداوود، سوشیانس، تهران، انتشارات فروهر، چاپ دوم، ۱۳۷۴، ص ۲؛ علی‌اصغر مصطفوی، سوشیانت یا سیراندیشه ایرانیان درباره موعود آخرالزمان، تهران، ۱۳۶۱، صص ۹-۱۰.
۳. پیش از آنکه عالم هستی به وجود آید هفت چیز آفریده شد: تورات، توبه، باغ عدن (بهشت)، جهنم، اورنگ طلائی، بیت‌المقدس، و نام (ماشیح). همچنین اظهارنظر شده است: «در آغاز خلقت عالم، پادشاه ماشیح به دنیا آمد زیرا (لزوم وجود او) حتی پیش از آنکه جهان آفریده شود، به ذهن خداوند خطور کرد.» ابراهام کهن، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه امیرفریدون گرگانی، تهران، اساطیر، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۳۵۲.
۴. انجیل یوحنا، باب ۸، بندهای ۵۶-۵۷.
۵. جمگی دانشمندان یهود درباره یک نکته متفق‌الرأی بوده‌اند و آن این است که ماشیح یک انسان خواهد بود که از طرف خداوند مأمور انجام وظیفه خاصی خواهد شد. تلمود در هیچ جا به این اعتقاد که ماشیح ممکن است یک ناجی و موجود فوق‌انسانی باشد اشاره نمی‌کند. گنجینه‌ای از تلمود، ص ۳۵۲.
۶. اشعیا، نبی، فصل ۶۰، بند ۱۹.
۷. کتاب هوشیح، فصل ۳، بند ۵؛ کتاب مزامیر، مزمور ۱۸، بندهای ۴۹-۵۰؛ ارمیا، فصل ۳۰، بند ۹.
۸. انجیل لوقا، باب ۱۳، بند ۳۵.
۹. اعمال رسولان، باب ۲، بند ۳۱.
۱۰. رساله به عبرانیان، باب ۹، بند ۲۸.
۱۱. حقیوق نبی، فصل ۲، بند ۲.
۱۲. اشعیا، نبی، فصل ۴۰، بند ۳۱.
۱۳. همان، فصل ۳۰، بند ۱۸.
۱۴. مینوی خرد، ترجمه احمد تفضلی، تهران، توس، چاپ سوم، ۱۳۸۰، پرسش ۱، بند ۹۵.
۱۵. ابراهیم پورداوود، سوشیانس، صص ۷-۲۱.
۱۶. ابراهیم پورداوود، گاتها، تفسیر و توضیح انجمن زرتشتیان ایران، بمبئی، ۱۹۲۸، ص ۱۰۹.
۱۷. علی‌اصغر مصطفوی، ص ۵۳.
۱۸. سروده‌های زرتشت که به وسیله خود او املا شده است. احمد تفضلی، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران، سخن، ۱۳۷۶، ص ۳۵.
۱۹. سپنمدگات، یسنا ۴۸، قطعه ۹؛ و نیز رک: وهشیتواشت گات، یسنا ۵۳، قطعه ۴؛ سپنمدگات، یسنا ۴۸، قطعه ۶؛ اشتودگات، یسنا ۴۵، قطعه ۱۱.
۲۰. گاتها: یسنا ۳۴، قطعه ۱۳؛ رک. یسنا ۴۶، قطعه ۳؛ یسنا ۴۸، قطعه ۱۲.
۲۱. علی‌اصغر مصطفوی، سوشیانت یا سیراندیشه ایران...، ص ۵۵؛ ابراهیم پورداوود، سوشیانس، ص ۱۰.
۲۲. همان، ص ۵۵.

۲۳. فروردین یشت، قطعه ۱۷؛ زامیادیشست، قطعه ۲۲. اوستا، گزارش جلیل دوستخواه، تهران، مروارید، چاپ چهارم، ۱۳۷۷، دوجلدی.
۲۴. زند بهمن سین، زند، تحقیق محمدتقی راشد محصل، تهران، معاصر، ۱۳۷۰، ص ۱۹.
۲۵. جاماسب بن لهراسب، جاماسب‌نامه، بمبئی، ۱۳۱۳ق، صص ۱۲۱-۱۲۲.
۲۶. همان.
۲۷. همان.
۲۸. «بیمن یشت» که «زند و هومن یسن» نیز نامیده می‌شود، شامل یک رشته رویدادهایی است که راجع به آینده ملت و آیین ایران است، که اهورا مزدا وقوع آنها را به زرتشت پیشگویی می‌کند. این کتاب توسط صادق هدایت از متن پهلوی به فارسی کنونی ترجمه شده است. صادق هدایت، زند و هومن یسن و کارنامه اردشیر بابکان، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۴۲.
۲۹. زند بیمن یسن، ص ۱۹.
۳۰. همان، ص ۱۵۰.
۳۱. جاماسب‌نامه، صص ۱۲۱-۱۲۲.
۳۲. ابراهیم پورداوود، سوشیانس، ص ۱۵.
۳۳. ر.ک. علی اصغر مصطفوی، سوشیانت یا سیر اندیشه...، صص ۶۳-۶۴.
۳۴. یسنا ۴۶، قطعه ۳۱.
۳۵. زامیادیشست، قطعه‌های ۹-۱۱.
۳۶. ابراهیم پورداوود، سوشیانس، صص ۱۰-۱۸.
۳۷. ر.ک. دینکرد، کتاب هفتم، (درس‌نامه دین مزدایی)، ترجمه فریدون فضیلت، تهران، فرهنگ دهخدا، چاپ اول، ۱۳۸۱، فصل ۷، قطعات ۴۵-۴۷.
۳۸. کتاب دوم سموئیل، باب ۷، بندهای ۱۲-۱۶.
۳۹. کتاب اول پادشاهان، باب ۲، بند ۴؛ جولوس کریستون: انتظار مسیحا در آیین یهود، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۲۰.
۴۰. رساله به عبرانیان، باب ۲، بندهای ۸-۶.
۴۱. توماس میشل، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، چاپ اول، ۱۳۷۷، صص ۳۷-۳۸.
۴۲. سفر پیدایش، فصل ۱۲، بند ۷؛ فصل ۱۳، بند ۱۵؛ فصل ۱۵، بندهای ۸-۵.
۴۳. همان، فصل ۱۷، بندهای ۸-۵ و ۲۰؛ فصل ۱۸، بند ۱۹.
۴۴. یسی به معنی قوی، نام پدر داوود است. مسترهاکس، قاموس کتاب مقدس، تهران، اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۹۵۱.
۴۵. کتاب اشعیا، تهی، فصل ۱۱، بندهای ۱-۱۰.
۴۶. همان، فصل ۶۵، بندهای ۹-۱۳ و ۱۸-۲۰.
۴۷. کتاب دانیال، تهی، فصل ۱۲، بندهای ۱-۵ و ۱۰-۱۳.

طالع

۴۸. کتاب *حقوق نبی*، فصل ۲، بندهای ۳-۵.
۴۹. برای اطلاعات بیش تر ر.ک. کتاب *اشعیاء نبی* فصل ۱ و ۵۵؛ *زکریا نبی*، فصل ۱۴؛ *سلیمان نبی*، فصل ۲؛ *حجی نبی*، فصل ۲؛ *حزقیال نبی*، فصل ۲۱.
۵۰. *انبیاء*: ۱۰۵.
۵۱. ر.ک. محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵ق، ج ۵۱ ص ۴۷؛ علی بن ابراهیم قمی، *تفسیر قمی*، ذیل *آیه انبیاء*: ۱۰۵؛ *فخررازی*، *تفسیر الکبیر*، ذیل *آیه*. آیات متعددی در قرآن مجید وارد شده است که پیشوایان دینی به مهدی موعود تفسیر کرده‌اند و در ضمن صدها حدیث، مشخصات آن حضرت را بیان نموده‌اند که از حوصله این نوشتار بیرون است. طالبین می‌توانند به کتاب ارزشمند «*الشواهد التنزیل*» عبیدالله بن عبدالله حسکانی و یا «*لمهدی فی القرآن*» سیدصادق شیرازی مراجعه کنند.
۵۲. کتاب *مزامیر*، مزمور ۳۷، بندهای ۹-۱۲ و ۱۷-۱۸.
۵۳. کتاب *مزامیر*، مزمور ۹۶، بندهای ۱۰-۱۳.
۵۴. نویدهای منجی در زیور بسیار فراوان است و در بیش از ۳۵ بخش از مزامیر ۱۵۰ گانه، نوید ظهور او است. برای اطلاعات بیش تر به متن مزامیر در عهد عتیق مراجعه کنید.
۵۵. *انجیل متی*، باب ۲۴، بندهای ۲۷، ۳۰، ۳۵، ۳۷، ۴۴.
۵۶. *انجیل متی*، باب ۲۵، بندهای ۳۱، ۳۲.
۵۷. *انجیل مرقس*، باب ۱۳، بندهای ۲۶، ۲۷، ۳۱، ۳۲.
۵۸. *انجیل لوقا*، باب ۱۲، بندهای ۳۵، ۳۶ و با همین مضمون *انجیل لوقا*، باب ۲۱، بندهای ۲۷، ۳۳-۳۶.
۵۹. *مکاشفه یوحنا*، باب ۱۹؛ *رساله دوم پطرس*، باب ۳.
۶۰. *مسترهاکس*، *قاموس کتاب مقدس*، ماده «پسر خواهر»، ص ۲۱۹.
۶۱. چنان که از فصل ۴۹، بند ۱۰ سفر پیدایش و باب ۱۶ *انجیل یوحنا* و باب ۲۴ *انجیل متی* و مزمور ۹۶ زیور، بند ۹-۱۳ استفاده می‌شود.
۶۲. چنان که از *انجیل یوحنا* باب ۱۶ استفاده می‌شود.
۶۳. چنان که از *زیور داوود* مزمور ۳۷ و کتاب *دانیال* باب ۱۲ استفاده می‌شود.
۶۴. چنان که از کتاب *اشعیاء نبی* و باب ۱۶ *انجیل یوحنا* و *زیور داوود* مزمور ۹۶ بندهای ۱۰-۱۳ استفاده می‌شود.
۶۵. چنان که از کتاب *دانیال* ۱۲ استفاده می‌شود.
۶۶. چنان که از کتاب *اشعیاء نبی* باب ۱۱ استفاده می‌شود.
۶۷. چنان که از *زیور داوود* مزمور ۳۷ استفاده می‌شود.
۶۸. همان.
۶۹. چنان که از *انجیل یوحنا* باب ۱۵-۱۶ بند ۲۶ استفاده می‌شود.
۷۰. چنان که از *انجیل متی* باب ۲۴ بند ۲۷ استفاده می‌شود.

۷۱. چنان که از *انجیل یوحنا* باب ۱۶ استفاده می‌شود.
۷۲. چنان که از *انجیل مرقس* باب ۱۳ استفاده می‌شود.
۷۳. ر.ک. *پندهش ایرانی*، ترجمه مهرداد بهار، تهران، توس، ۱۳۶۹ ش، ص ۱۲۸؛ *اوستا*، فروردین یشت، بندهای ۱۲۰-۱۳۳.
۷۴. ر.ک. *دینکرد*، کتاب هفتم، ص ۲۱۴.
۷۵. *اوستا*، زامیاد یشت، قطعه ۹۵.
۷۶. *اوستا*، هفتن یشت کوچک، قطعه ۱۲.
۷۷. کتاب *اشعیاء نبی*، فصل ۵، بندهای ۲ و ۲۷-۲۹.
۷۸. *دانیال نبی*، فصل ۲، بند ۴۴.
۷۹. کتاب *مزامیر*، مزمور ۳۷، بندهای ۱۸ و ۳۹-۴۰.
۸۰. *اشعیاء نبی*، فصل ۱۸، بند ۲.
۸۱. همان، فصل ۴۹، بندهای ۱۲-۱۳.
۸۲. همان، فصل ۴۹، بند ۱۳.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

طالع